

رد نظریه اختفای الهی شلنبرگ با توجه به منابع اسلامی

زهرا عامری فر

چکیده:

نظریه اختفای الهی که به طور عمده توسط فیلسوف کانادایی، جان شلنبرگ، مطرح شده است، به بررسی وجود خداوند و دلایل عدم وجود او در زندگی انسان ها می پردازد، شلنبرگ در این نظریه ادعا می کند که اگر خداوند وجود داشته باشد باید خود را به طور واضح و غیر قابل انکار به بشر نشان دهد؛ اما از آنجا که بسیاری از افراد با مفهوم خداوند آشنا نیستند یا نمی توانند او را تجربه کنند نتیجه می گیرد که خداوند وجود ندارد یا به نوعی خود را پنهان کرده است. پس از طرح برهان اختفای الهی توسط جان شلنبرگ فیلسوف معاصر، فیلسوفان دیگری همچون جان هیک و ریچارد موئین برن تلاش کرده اند خفای الهی را توجیه کنند.

شلنبرگ معتقد است خفای الهی دلیل برای رد وجود خداوند است، فیلسوفان و متکلمان دینی سعی کرده اند که پاسخی برای رد نظریه شلنبرگ ارائه دهند.

پس از طرح برهان اختفای الهی توسط شلنبرگ بسیاری از اندیشمندان به نقد این برهان پرداخته اند، مقاله ی (مقایسه ی میان وجه نظر های سهروردی و شلنبرگ در باب اختفای الهی)، مقاله ی (مقایسه و نقد دیدگاه های جان شلنبرگ و پاسکال درباره ی مسئله اختفای الهی)، همچنین مقاله ی (تحلیل انتقادی استدلال اختفای الهی شلنبرگ از دیدگاه مایکل موری) و مقالات متعدد دیگری در این زمینه به نگارش در آمده اند که در این بین می توان به مقاله ی نقد و ارزیابی تقریر استقرایی برهان اختفای الهی شلنبرگ از منظر تجربه ی دینی اشاره کرد که در این مقاله با توجه به تجربات دینی تجارب شبه حسی، تجارب تفسیری به رد این برهان پرداخته است، شباهت این مقاله با مقاله حاضر تنها در استفاده از تجارب دینی می باشد و تفاوت این دو مقاله در این است که مقاله حاضر که به روش توصیفی – کتابخانه ای انجام گرفته است با توجه به منابع اسلامی و همچنین براهین فلسفه اسلامی به رد نظریه شلنبرگ پرداخته است.

مقطع تحصیلی سطح ۲ مدرسه علمیه ی حضرت عبدالعظیم علیه السلام

واژگان کلیدی:

نظریه، اختفای الهی، شلنبرگ، منابع اسلامی

مفهوم شناسی نظریه

مفهوم لغوی نظریه:

نظریه، تئوری است که نیاز به دلیل و برهان داشته باشد.

نظریه به معنای عقیده، حدس و گمان، رای و اندیشه می باشد (فرهنگ فارسی عمید)

مفهوم اصطلاحی نظریه

نظریه، نگره، دیدمان یا تئوری، نوعی بیان خلاصه، خردمندانه و منطقی حاصل از اندیشیدن درباره یک پدیده بوده است.

مفهوم لغوی اختفاء

اختفاء به معنای پنهان شدن، پوشیده شدن و نهان شدن است (فرهنگ فارسی عمید)

آنچه که غیرواضح است و مشخص نیست و آنچه که در حیطه فکر و ذهن مشخص نیست.

مفهوم اصطلاحی اختفاء

اختفاء یک اسم در زبان فارسی است و به معنای پنهانی و عدم ظهور و یا عدم آشکار بودن چیزی استفاده می شود.

شلنبرگ: جان شلنبرگ متولد ۱۹۵۹ میلادی فیلسوفی کانادایی با مدرک دکتری فلسفه از دانشگاه آکسفورد است که بیشتر بخاطر کار خود در فلسفه دین شناخته شده می باشد.

منابع اسلامی: مآخذ و منابعی است که در اسلام وجود دارد، که می توان قرآن را نام برد که مستقیم و بدون تحریف به دست مسلمانان برسد و همچنین میتوان به کتب حدیثی و کتب اندیشمندان اسلامی اشاره کرد.

اختفای الهی:

اختفای الهی به دو معناست یا به این معنا که به واقع خدایی وجود دارد، اما بنا به دلایلی خویشتن را از ما پنهان کرده است و یا به این معناست که قرائن کافی و قانع کننده ای برای وجود خدا در کار نیست.

تعریف نظریه اختفای الهی شلنبرگ.

خدا وجود دارد یا نه ؟ پاسخ بشر به این پرسش هولناک هر چه باشد، زندگی و رویایی او را با جهان را به کلی تغییر خواهد داد.

یکی از مسائل مهمی که در دوران معاصر علیه خدا باوری به کار گرفته شد مسأله اختفای الهی است .

شلنبرگ بر این ادعا بود که برهان اختفای الهی اگر نتواند عدم وجود خداوند را به طور قطعی اثبات کند دست کم می تواند تا حد زیادی احتمال آن را افزایش دهد ، به نظر او افراد بسیاری هستند که در سراسر عمر خود صادقانه در پی خداوند هستند اما او را نمی یابند و سرانجام تلاش آنها با شکست مواجه شده و به همین خاطر در برابر خدا باوری مقاومت می کنند . شلنبرگ معتقد است از آنجا که ادیان، خداوند را خیر مطلق معرفی می کنند، اقتضای خیر بودن و عشق الهی این است که خداوند به عنوان معشوق نسبت به عاشقان بی تفاوت نباشد و نشانه های بیشتری از وجود و حضورش را متجلی کند تا با برقراری یک رابطه عاشقانه به خدا باوری آنها کمک کند. از نظر شلنبرگ خداوند این مهم را انجام نداده و لاجرم در سوق یافتن آن افراد به خدا باوری و الحاد سهیم است و از همین رو به اعتقاد شلنبرگ اختفای الهی می تواند توجیه مناسبی برای خدا ناپاوری آن افراد باشد.

شلنبرگ نظریه اختفای الهی را بر اساس تجربه انسان و عدم وجود شواهد قوی از وجود خداوند بنا نهاده است.

نقد نظریه اختفای الهی شلنبرگ:

الف- فرضیات نادرست:

نقد اول بر نظریه شلنبرگ این است که او فرض می کند که خداوند باید به طور مستقیم و غیر قابل انکار خود را به انسان ها معرفی کند اما این فرض نادرست است زیرا ممکن است خداوند بخواهد وجود خود را از طریق تجربیات شخصی ، جستجوهای معنوی یا حتی از طریق طبیعت و قوانین جهان معرفی کند .

ب- عدم جسمانیت خدا

اگر کسی در جستجوی خدا باشد به عنوان اینکه یک موجودی جدا از همه موجودات دیگر و در بیان موجودات دیگر به نام خدا بخواهد پیدا کند و بگوید : « سنگ هست، خاک هست، هوا هست » و در میان این موجودات ، موجود دیگری هم هست به نام خدا ، تفاوتش این است که او به چشم دیده نمی شود ولی اینها به چشم دیده می شوند اگر کسی مسأله را اینگونه طرح کند از اول اشتباه کرده یعنی اصلاً خود خدا را تصور نکرده ، اگر خدایی در عالم وجود داشته باشد او نمی تواند چنین وجود محدودی در کنار سایر موجودات باشد او باید موجودی باشد که به تعبیر قرآن کریم « وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَمَا كُنْتُمْ / ۴ »

« لا تدرکه الابصار و هو یدرک الابصار و هو اللطیف الخبیر انعام ۱۰۳ »

جسم ما او را در نمی یابد ولی او همه چشم ها را در می یابد و او لطیف و آگاه است.

خداوند با چشم دیده نمی شود زیرا دیده شدن یک موجود لوازمی دارد که هیچ یک از آنها در مورد خداوند امکان پذیر نیست یعنی اگر بخواهد دیده شود باید جسم و جهت داشته باشد و دارای اجزاء باشد و در نتیجه خداوند نه جسم است و نه دیده می شود از امام رضا علیه السلام نقل شده : « إِنَّهُ لَيْسَ مِنَّا مِنْ رَعَمَ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَنَحْنُ مِنْهُ بَرَاءٌ فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ »

« کسی که گمان کند خداوند متعال جسم است از ما نیست و ما در دنیا و آخرت از او بیزاریم. »

دلایل زیادی وجود دارد که نشان دهنده حضور خداوند در جهان هستی است برای دیدن این دلایل باید از چشم ظاهری گذشت و با چشم بصیرت خداوند را مشاهده کرد .

۱-قائمی ، اصول اعتقادات در چهل درس. ص ۵۵

خداوند مادی نیست و به این دلیل که جسمانیت ندارد پس خداوند دیده نمی شود از دیدگاه علم و فلسفه موجودات جهان که ممکن الوجود هستند برای وجود داشتن نیازمند به علت هستند . معلول دارای فقر و وابستگی و برای امکان داشتن به علت احتیاج دارد و آن علتی است که وابستگی نداشته باشد ، انکار وجود خداوند به این معناست که جهان هستی محتاج علت نبوده مستقل و بی نیاز است در حالیکه این اشتباه است ، این دلیل در فلسفه به عنوان برهان علیت شناخته شده است.

با وجود این دلایل باز هم عده ای اعتقاد دارند که خداوند مخفی است و در صورت دیده شدن می توان به او ایمان آورد در حالیکه موجود غیرعادی از دایره ادراکات حسی خارج است خداوند به دلیل واجب الوجود بودن و نامتناهی بودن، جسم ندارد بنابراین محسوس هم نخواهد بود و رویت حسی نخواهد شد .

در روایتی از امام صادق علیه السلام در مورد روئیت خداوند داریم که ما دو نوع دیدن داریم : « دیدن قلبی ، دیدن با چشم » : پس هر کسی منظورش دیدن خدا با چشم ظاهر است به خدا و به آیاتش کفر ورزیده است چرا که رسول خدا فرموده: کسی که خدا را به خلقتش شبیه کند کافر است.

مگر سخن خدا را نشنیده اند که می فرماید:

« هیچ چشمی خدا را درک نمی کند که او لطیف و خبیر است . »

ج-آزادی اراده :

یکی از دلایل عدم روئیت خداوند ، آزادی اراده و اختیار انسان است زیرا در صورت عدم روئیت خداوند، انسان با اختیار خویش و نه از روی اجبار مسیر خویش را بر می گزینند.

در منابع اسلامی یکی از اصول اساسی، آزادی اراده انسان است ؛ خداوند انسان را با اراده آزاد خلق کرده است و این آزادی و اختیار به آنها اجازه می دهد که ایمان بیاورند یا نیاورند، اگر خداوند خود را به طور واضح و غیرقابل انکار نشان دهد این آزادی اراده ممکن

است تحت تاثیر قرار گیرد . در قرآن کریم آمده : « لا اکراه فی الدین بقره / ۲۵۶ » که به معنای عدم اجبار در دین است. مسئله اجبار و اکراه هیچ گونه نفوذ و راهی به عقاید انسان ندارد کسی که به امری از امور معتقد است ، و طرف این اعتقاد قلب اوست، به زور اسلحه و شمشیر نمی توان اعتقادی دیگر را به قلب و باطن او نفوذ داد ، اگر به حقیقت معتقد به چیزی است چه حق باشد چه باطل و بخواهد بر اعتقادش بماند قطعاً می ماند^۱ .

در فرهنگ خدا و دین حق ، که همه قوانین و احکام و حتی فلسفه و حکمت برخی از آنها روشن است^۲ ، و امری در آن خارج از فهم مردم نیست و انسان ها از هر دسته و گروهی با بهره مندی از عقل و اندیشه می توانند رشد را که یافتن جاده مستقیم است بفهمند و به این صورت هیچ جای اجبار و اکراه در دین نیست .

همچنین در آیه ۲ سوره انسان آمده است: « إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ اَمَّا شَاكِرًا اَمَّا كَفُورًا^۳ . »

که این آیه اختیار را برای انسان ثابت می کند که می فرماید: « ما هدایت نمودیم راه حق و ایمان را ، گروهی قبول نموده شاکر و مومن می شوند و گروهی قبول ننموده کافر شدند . »

در آیه دیگری از قرآن از جمله آیه ۳۹ سوره نبا خداوند می فرماید: « ذلک الیومُ الحَقُّ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذْ اِلٰی و به مآباً^۴ »

و پس هر که بخواهد به سوی پروردگار خویش برگردد و از او اطاعت کند و عمل صالح انجام دهد پس موانع برطرف . راه ها آشکار شده و پیامبران تکالیف را به مردم رسانده اند . «

۱-انصاریان ، تفسیر حکیم، ج ۷ ص ۸۲

۲-همان ص ۸۴

۳-شاه عبدالعظیمی ، تفسیر اثنی عشری - ج ۱- ص ۴۶۱

۴-ابوالفتح رازی ، روض الجنان و روح الجنان ج ۲- ص ۲۵

انسان ها می توانند از طریق تجربه های معنوی و ارتباطات خویش با خداوند ، وجود او را در زندگی خود احساس کنند . این تجربیات می تواند به عنوان شواهدی برای وجود خداوند و عدم اختفای او باشد و همچنین می توان به تفاوت ها در شناخت خداوند اشاره کرد به این معنا که هر فرد باید به طور مستقل و با تفکر به جستجوی حقیقت بپردازد و این تنوع در شناخت می تواند به غنای ایمان کمک کند.

در نقد برهان اختفای الهی شلنبرگ می توان مباحثی از قبیل وجود و عینیت خداوند را بیان کرد که فراتر^۱ از درک عقلانی انسان هاست ؛ در این راستا هر فرد ممکن است با توجه به تجربه های معنوی و شهودی خویش شناخت عمیق تری از خداوند داشته باشد .

همواره بین شناخت شناسی و هستی شناسی نوعی هماهنگی موجود است یعنی تبیین هر فرد نسبت به مسئله شناخت و معرفت با نحوه نگرش او درباره هستی و دیدگاه او در مسائل هستی شناختی، پیوند و ربطی منطقی دارد بنابراین با توجه به فطرتی که در انسان ها از خداوند به ودیعه گذاشته شده می توان به شناخت خداوند دست یافت زیرا فطرت انسان ها فطرتی خداجوست و با تمام وجود خداوند را می طلبد و یافتن خدا به رابطه شخص با خداوند و دوری از گناهان و تجربه های فرد بستگی دارد و این مطلبی است مبنی بر رد نظریه شلنبرگ .

۱-جواد آملی ، تبیین براهین اثبات خدا ص ۶۳

حکمت و عشق الهی

در نقد نظریه اختفای الهی شلنبرگ باید به این نکته اشاره کرد که اختفای خداوند نه تنها نقض عشق الهی نیست بلکه می تواند مظهري از حکمت و عشق خداوند به انسان ها باشد ؛ اختفای الهی به انسان فرصتی برای جستجوی حقیقت و تقویت ایمان می دهد .

اختفای الهی می تواند به عنوان یک حکمت الهی در نظر گرفته شود این اختفاء به انسان ها این امکان را می دهد که با جستجو و تفکر به حقیقت نزدیک شوند و ایمان خود را تقویت کنند همچنین عشق الهی به انسانها به گونه ای است که خداوند نمی خواهد با ظهور واضح خود آزادی اراده انسان ها را تحت تاثیر قرار دهد این عشق به انسان ها اجازه می دهد که با اراده آزاد خود به سوی خداوند بیایند .

عشق الهی ذاتاً یک حالت عاطفی و غیر ارادی است را می توان به وسیله عمل ارادی به دست آورد یعنی با نگرش در رحمت بی پایان الهی و تذکر فضل پروردگار که همواره شامل حال انسان می شود.^۱

انسان همیشه صورت ظاهری دنیا را مشاهده می کند و از دیدن حقیقت آن محروم است زیرا صورت ظاهری چهره حقیقت را پنهان می سازد و درمان همه دردهای این و یا ظهور عشق الهی در انسان است که در هنگام پریشانی و ورود رنج با اشتیاق فراوان به سوی او می آیند.^۲

با آفرینش هستی عشق الهی در حد موجودات جریان می یابد پس از جریان عشق الهی همه به جنبش در می آیند حضرت حق به همه ما احساس و درک روحانی عطا کرده تا به قدر استعداد خود نسبت به او معرفت پیدا کنیم.^۳

^۱ فراهی هروی ، تفسیر حقائق الحقایق ، ص ۱۲۲

^۲ مکارم شیرازی، تفسیر نمونه ، ج ۱۹ ص ۱۲۳

^۳ نریمانی ، تفسیر عرفانی، اشراق ، ص ۴۶۸

در متون اسلامی خداوند به عنوان محبت و عاشق معرفی شده است به عنوان مثال در قرآن «آمده است :

«إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الصَّابِرِينَ» آل عمران / ۱۴۶

خداوند به همه بندگان محبت می ورزد و آن ها را هدایت می کند ، این هدایت نشانه ای از عشق الهی است که به انسان ها فرصت می دهد تا راه راست را پیدا کند و به او نزدیک شوند .

خداوند هستی را با محبت و رحمت آفریده است ، این نظام هستی با نظم و هماهنگی که دارد نشان دهنده ی عشق الهی است « وَ رَحْمَتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ » اعراف / ۱۵۶

رحمت و محبت خداوند شامل همه موجودات می شود.

بنابراین می توان با بیان این حقیقت که عشق الهی شامل همه موجودات است و در همه جهان عشق خداوند وجود دارد به رد بیان شلنبرگ پرداخت چرا که شلنبرگ بیان کرده بود اختفای الهی نقض عشق الهی است .

نتیجه گیری:

نظریه اختفای الهی شلنبرگ در منابع اسلامی با چالش هایی مواجه است ، اصولی مانند عدم جسمانیت خداوند، برهان نظم ، برهان علیت، اختیار و آزادی اراده ، برهان فطری و شناخت خدا بر اساس فطرت مطرح می شوند همچنین می توان با توجه به وجود نشانه های خداوند در جهان به وجود خالق پی برد و اینکه خداوند جهان و مخلوقات را بر اساس حکمت و عشق خویش خلق کرده است و بر اساس فطرت می توان این عشق را یافت در نتیجه با اطمینان می توان نظریه شلنبرگ را رد کرد .

منابع :

* قرآن

* نهج البلاغه

- ۱- ابوالفتح رازی ، حسین بن علی ، روح الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن ، مشهد آستان قدس رضوی، نشر بنیاد پژوهش های اسلامی ، ۱۴۰۸ هـ.ق.
- ۲- افرام بستانی ، فرهنگ ابجدی ، ترجمه مهیار ، رضا، تهران ، نشر اسلامی ، ۱۳۷۵ هـ.ش.
- ۳- امیرالمومنین علی بن ابیطالب ، حکمت عملی ، ترجمه الهی قمشه ای ، مهدی ، قم ، نشر الف - لام - میم- ۱۳۸۵ هـ.ش.
- ۴- انصاریان ، حسین ، تفسیر حکیم ج ۷ ، قم ، نشر دارالعرفان ، ۱۳۹۳ هـ.ش.
- ۵- جوادی آملی ، عبدالله ، تبیین براهین اثبات خدای تعالی شأنه ، قم ، نشر اسراء ، ۱۳۸۴ هـ.ش.
- ۶- سعیدی مهر ، محمد ، آموزش کلام اسلامی ج ۱ ، قم ، نشر کتاب طه ، ۱۳۷۸ هـ.ش.
- ۷- شاه عبدالعظیمی ، حسین ، تفسیر اثنی عشری ج ۱ ، تهران ، نشر میقات ، ۱۳۶۳ هـ.ش.
- ۸- طبرسی ، فضل بن حسین ، ترجمه تفسیر مجمع البیان ج ۱۱ ، مترجم نوری همدانی ، حسین ، ناشر فراهانی. بی تا
- ۹- طباطبائی ، محمدحسین ، ترجمه تفسیر المیزان ، ج ۹ ، قم ، نشر انتشارات اسلامی ، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۱۰- فراحی هروی ، معین الدین ، تفسیر حدائق الحقایق ، مترجم سجادی ، جعفر ، تهران ، نشر دانشگاه تهران ، ۱۳۸۴ هـ - ش.
- ۱۱- قائمی ، اصغر ، اصول اعتقادات در چهل درس ، قم ، نشر ادبا ، ۱۳۹۴ هـ.ش.
- ۱۲- قرائتی ، محسن ، تفسیر نور ، قم نشر موسسه در راه حق ، ۱۳۷۴ هـ.ش.
- ۱۳- کاشفی ، حسین بن علی ، جواهر التفسیر ، تهران ، نشر مرکز پژوهشی میراث مکتوب ، ۱۳۷۹ هـ.ش.
- ۱۴- مصباح یزدی - محمدتقی ، آموزش عقاید ، دوره ۳ جلدی ناشر : شرکت چاپ و نشر بین الملل . ۱۳۷۷ هـ.ش.
- ۱۵- مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ج ۳ ، تهران ، نشر دارالمکتب الاسلامیه ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۱۶- مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ج ۷ ، تهران ، نشر دارالمکتب الاسلامیه ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۱۷- مکارم شیرازی ، ناصر ، تفسیر نمونه ج ۱۹ ، تهران ، نشر دارالمکتب الاسلامیه ۱۳۷۱ هـ.ش.
- ۱۸- نریمانی ، علی ، تفسیر عرفانی اشراق ، قم ، بی نا ، بی تا .

۱۹- هانی ، کاظم ،مقایسه میان وجه نظرهای سهروردی و شلنبرگ در باب اختفای الهی ، پژوهشنامه فلسفه دین ، بهار و تابستان ۱۴۰۳ ، ه-ش. وزارت علوم

۲۰- هاشمی ، یاسر ، نقد و ارزیابی تقریر استقرایی برهان اختفای الهی شلنبرگ از منظر تجربه دینی ،نشریه اندیشه نوین دینی ، شماره ۷۷ ، تابستان ۱۴۰۳ ه-ش.